

۹ خود آگاهی کیهانی و آسودگی کارمایی

هی! حالا شما یک سایکیک هستید

حال که به این فصل آخر رسیده‌اید احتمالاً از خود می‌پرسید، «آیا درست کار کرده‌ام؟» «آیا من حقیقتاً یک سایکیک هستم؟» مهم نیست که چه کردید و چگونه، شما درست کار کرده‌اید. اگر در هنگام شروع کردن این کتاب، انتظارات دور و درازی داشته‌اید، به شما تبریک می‌گوییم. اگر از آنچه بر شما گذشته است، حیرت کرده‌اید، ترسی به خود راه ندهید. شما فقط با انجام تمرینات این کتاب، جرقه‌ای از نیروهای آفریننده خارق‌العاده‌ای را در خویشتن برافروخته‌اید. ممکن است که

ماهها و یا سالها به طول بینجامد تا نتایج حاصل از این بارقه، کاملاً در شما آشکار شوند.

ما مطمئنیم که آنچه از این کتاب فراگرفته‌اید شما را قادر ساخته است، تا لااقل برخی اوقات بتوانید بیماریهای فیزیکی را درمان کنید. همچنین مطمئن هستیم که این باعث می‌شود تا تجربیاتی غنی‌تر از زندگی و احساسی شگرف‌تر از فعالیت‌های روزانه خود داشته باشید.

ما قبلاً گفته‌ایم که یک درمانگر فراروانی بودن و استفاده از تواناییهای فراروانی به این معنی نیستند که شما در بستری از گلهای رز خوابیده‌اید. با اینحال ممکن است با انجام برخی از تمرینات این کتاب - مانند ارتباط با زمین و راندن انرژی، نگهداری از هاله خود و چاکراها در وضعیتی خوب و پاکیزه - متوجه شوید که چیزهای «بد» در زندگیتان آنقدرها بد نیستند و چیزهای «خوب» از آنچه که بوده‌اند، بهترند.

همانطور که در فصول آغازین این کتاب گفتیم، شما یک سایکیک و یک درمانگر فراروانی هستید. این کتاب بیش از اینکه دوره‌ای برای اضافه کردن چیزی به زندگی شما باشد، دوره‌ای بوده‌است برای تشخیص آنچه‌هایی که از قبل در زندگیتان حضور داشته‌اند. همین معنا برای آگاهیتان هم مصداق دارد. برای مثال، حواس شما همیشه اطلاعات را دریافت کرده، در اختیار شما قرار می‌دهند: چشمانتان همیشه می‌بینند، گوش‌هایتان همیشه می‌شنوند، پوستتان همیشه حس می‌کند، بینیتان همیشه استشمام می‌کند و دهانتان همیشه می‌چشد. و

احساسات شما همیشه آگاه هستند: شما همیشه احساس شادی، ناراحتی، کسلی، هیجانزدگی، بی‌طرفی و یا چیزهای دیگر می‌کنید. و ذهنتان همیشه آگاه است: او همیشه فکر می‌کند و همیشه در مورد اینکه فکر کردن چیست، می‌اندیشد. در اغلب اوقات ما به فرآیند حواس، آگاهی و خرد خود توجه نمی‌کنیم. اما آنها همیشه به کار خود است که از قبل هم انجام می‌شده‌اند.

رییس سرخپوست بودن، نیست. این تنها، چیزی است برای بودن. چیزهای زیادی برای بودن، وجود دارند و هیچکدام «بتر» از دیگری نیستند. اما بنظر می‌رسد که زندگی به عنوان یک سایکیک توقعات دیگران را بالا می‌برد و شوق به زندگی را زیاد کرده، بطور کلی زندگی را جالب توجه می‌کند.

استفاده از سمت فراروانی زندگی تقویت‌کننده است و به عبارتی دنیای شما را فراختر می‌کند: همیشه درباره امور فراروانی چیزهایی وجود دارند و در آنجا همیشه چیزی برای بررسی و تجربه کردن، وجود دارد. برآستی هرچه که از بازی زندگی بگوییم، به پایان آن نخواهیم رسید.

وارد امور فراروانی شدن، می‌توانید تأثیرهای متفاوتی بر اشخاص مختلف داشته باشد. شاید شما تصمیم بگیرید که در زمینه امور روحانی به فعالیت بپردازید؛ ممکن است دریابید که این چیزها در راستای چیزهایی بوده‌اند که آنها را تابحال پیگیری می‌کردید. ممکن است متوجه شوید که بجای سایکیک محض، زمینه خلاقیت شما را به خود جلب کرده‌است، یا ممکن است دریابید که روابط روزانه‌تان ملایم‌تر شده‌اند. هرآنچه که برای شما رخ دهد، ما علاقمند به شنیدن درباره آن هستیم.